

معرفی کتاب

برخلاف آنچه مشهور است، شهرزاد زنی هوشمند، دانا، تیزبین و نمونه ظرافت اندیشه و طرفه‌گویی و سخن‌دانی است.^۱

درفصل چهارم، کتاب هزار و یکشب دنیای سرود و ترانه و آئینه تمام‌نمای کارهای پریان و ساحران معرفی می‌گردد و مفاهیم اساسی مانند «زمان» مورد بحث قرار می‌گیرد و ضمن بحثی عمیق، فلسفه هنر اسلامی پیش‌کنشده می‌شود و در پنجمین فصل آرمفهوم کلی تقدیر در اسلام و اختلاف آن با مفهوم تقدیر در یونان سخن‌رفته است. و بالاخره در ششمین فصل که عنوان «مدینه عشق» دارد مؤلف می‌گوید:

«ویژگیهای عشق در هزار و یک شب زاده خلاقیات و وضع اجتماعی مردمی است که قصه‌های کتاب از نهانگاه جانشان روئیده است. عشق بیتاب در این کتاب حد و اندازه نمی‌شناسد؛ لگام گسیخته، بی‌شکیب و بی‌پروا و برتر از جان و مال و شرف و زندگی است»^۲.

درباره کتاب آقای ستاری که با انشایی روان و بیانی شیرین و درعین حال محکم و با دیدی فلسفی و عمیق نگارش یافته، جا دارد بیش از این سخن‌گفته شود

در حقیقت آییندای است تمام‌نما از از تمدن اسلامی در دوران پر جلال و شکوه آن، آقای جلال ستاری که چندی بود جسته و گریخته مطالبی درباره این اثر در مطبوعات ایران انتشار می‌داد اخیراً مطالعات خود را به صورت کتابی مستقل در آورده است. شاید ناچا نباشد اگر بگوئیم این کتاب از اولین آثار است که در زمینه نقد و سنجش یکی از کتابهای بزرگ تر فارسی به عالم ادب هدیه شده است.

هر چند آقای ستاری با توجه به ارزشهای اصیل اسلامی و با نظر به موازین نقد امروزی، با زبانی شیرین و روان، تحققی دقیق عرضه داشته است لیکن فقط جنبه‌های مشخصی از این کتاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و توجه خود را به شهرزاد و یکی دو شخصیت دیگر معطوف داشته است. در اولین فصل، تاریخی از نحوه رواج این کتاب در غرب نگاشته و در فصل دوم در مورد ریشه داستان شهرزاد در عهد ساسانی و چگونگی ورود این نوع داستانها به تمدن اسلامی، سخن گفته است و ضمن بحث از صورت نوعی شهرزاد تغییراتی را که در شکل این داستان پیدا شده و ادغام آن را با داستانهای دیگر و یکی شدن قهرمانان این داستانها، مورد بحث قرار داده است.^۳ در فصل سوم کتاب که عنوانش «حدیث عشق شهرزاد» است نویسنده نشان می‌دهد که



هزار و یکشب و افسانه شهرزاد
(کوششی برای دریافت یک قصه از لحاظ روانشناسی)
نویسنده: جلال ستاری
ناشر: سازمان نشر کتاب باعداد
قطع رقعی - ۳۱۴ صفحه بیا ۱۵۰ ریال
پهمن ۱۳۴۸

کتاب معروف هزار و یکشب را غالب مردم ایران می‌شناسند. این کتاب که تصویری از ارزشهای جامعه اسلامی و جهان‌بینی آن است

۱ - صفحه ۶ مقدمه -

۲ - صفحه ۹ مقدمه -

۳ - صفحه ۱۷۶ متن کتاب -

۴ - صفحه ۳۰۵ متن کتاب -

لیکن بہ مناسبت تنگی مجال ناگریز بدین جملہ بسندہ می کنیم کہ این اثر یکی از بهترین کتابهایی است کہ در زمینہ نقد ادبی در چند سال اخیر انتشار یافته است .

موپه کن، سرزمین محبوب

نویسنده: آلن پیتون

مترجمان: نادر ابراهیمی، فریدون سالک



موپه کن ، سرزمین محبوب
نوشته آلن پیتون

مترجمان: نادر ابراهیمی - فریدون سالک

ناشر: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
قطع رقی، ۳۵۴ + ۱۲ صفحه
بها ۲۰۰ ریال

میرماه ۱۳۴۸

آلن پیتون در سال ۱۹۰۲ در افریقای جنوبی به دنیا آمد و نخستین شغل تربیتی خود را در

شهری به دست آورد که کتاب « موپه کن سرزمین محبوب » را در آنجا نوشته بود . آلن پیتون نویسنده ایست میان‌درو، متعادل ، غیرانقلابی و مسیحی لیبرال او تا آنجا که مقدور است سعی می کند حقایق را تصویر کند .

« موپه کن سرزمین محبوب
موپه کن برای قبایل ازهم گسیخته

و با صدای بلند گریه کن -
به خاطر مردی که رفته است
به خاطر زن و کودکان
داغ دیده اش . »

این یک بند از شعری است که در متن کتاب آمده است . سرزمینی که ماجراهای این کتاب در آن اتفاق می افتد ، در جنوب قاره افریقا است . موپه کن سرزمین محبوب ، یک داستان بلند نیست ، رساله ای است درباره مردم آفریقای جنوبی . آنچه زمینه اصلی کتاب را می سازد ترقی است . . . و اسارت ، زندگی فلاکت بار ، قتل و عدم اعتماد . . . « وقتی تو را بر قلب حکومت می کند ، کیست که بتواند از سرزمین محبوب خویش لذت ببرد ؟ »

دائرة المعارف جمبرز معتقد است که این کتاب بهترین اثر درباره زندگی سیاهان است و برخی معتقدند که « کلبه عمو تم افریقای جنوبی » است ، اما مترجمان این کتاب عقیده دارند که از نظر ارزشهای

آزادی خواهی ، این کتاب ارزنده تر از کلبه عمو تم است .

ترجمه کتاب سلیس و یک دست و در مواردی زیبا و دلپسند است هر چند مترجمان درباره کار خود می گویند : « ما از آنگونه مترجمان زبردست و کارگشته ای نیستیم که تمام زیر و بم های زبان غیر را می دانند و کوچکترین اشتباهی مرتکب نمی شوند .

چه بسا که ساده ترین جمله ها را ادراک نکرده باشیم » ولی باید اعتراف کرد که ترجمه کتاب آن اندازه « موفق » هست که بتوان این سخنان را نوعی فروتنی علمی بشمار آورد .

چاپ کتاب ، نفیس و زیباست .

- ۱- صفحه ۸ مقدمه کتاب .
- ۲- مقدمه کتاب صفحه ۱۱ .
- ۳- صفحه ۱۰ مقدمه .



قلعه حیوانات

مزرعه حیوان

جرج اورول (George Orwell)
ترجمه انوشیروان دولتشاهی -
قطع جیبی - ۱۴۵ صفحه - ۲۵ ریال -
ناشر ؟

قلعه حیوانات

جورج اورول

ترجمه امیر امیرشاهی - قطع
جیبی - ۱۵۴ صفحه - ۲۵ ریال -
ناشر : شرکت سهامی کتابهای جیبی.
جورج اورول نام قلمی اریک بلر
است که به سال ۱۹۰۳ دربنگال متولد
شد ، هنوز کودکی بود که خانواده اش
به انگلستان برگشت و در آنجا در یکی
از مدارس اشرافی تحصیل کرد . مدت
پنج سال (۱۹۲۲ - ۱۹۲۷) به عنوان
افسر پلیس امیراتوری در برمه خدمت
کرد و بازتاب تجربیات او را می توان
در کتاب روزهای برمه ، که به سال
۱۹۳۴ منتشر شد ، مشاهده کرد . چند
سالی درلندن و پاریس به کارهای
مختلف و کم درآمد پرداخت . در
چنگک داخلی اسپانیا به صفوف
جمهورخواهان پیوست و زخمی

شد ، کتاب ادای دین به کانالویا
روایتی است زندگینامه وار ، از این
دوران ، اورول خویش را سوسیالیستی
دمکرات می دانست واز دیکتاتوری
بیزار بود . و همین باعث شد که
روز بروز از کمونیسم ، آنچنان که
در روسیه استالینی اجرا می شد ،
بیزارتر شود . حاصل این سرخوردگی
و تنفر دو کتاب مشهور او مزرعه
حیوانات و هزارو نصد وهشتاد و چهار
است . آثار دیگر او شامل چند رمان
مجموعه مقالات وداستانهای کوتاه است.
شکارفیل (ترجمه فارسی ، مجله نگرین،
شماره ۴۷ ، فروردین ۴۸) یکی از
بهترین داستانهای کوتاه اوست که در
قالی فشرده ماهیت استعمار را برملا
می سازد .

کتاب مزرعه حیوانات که در سال
۱۹۵۴ منتشر شد ، معجری است در قالب
فابل که بر زمینه روسیه پیش از
انقلاب و روسیه بعد از انقلاب نوشته
شده و شاید آن را بتوان در خصوص
اغلب انقلابها صادق دانست . حیوانات
مزرعه آقای جوتز علیه اربابهای خود،
انسانها ، طغیان می کنند و آنان را
بیرون می رانند و خوگها رهبری را
به عهده می گیرند . سرانجام خوگها
که زیر نفوذ ناپلئون هستند ، به فساد
کنشیده می شوند و خودکامگی ای تازه
جانشین دیکتاتوری پیشین می شود .
شعار نهایی این است : « همه حیوانات
برابرند اما بعضی حیوانات برابرتر از
دیگرانند .» ناپلئون خودکامه و بیرحم
استالین را به یاد می آورد و سنو بال .
ایده آل طلبی که رانده می شود، تروتسکی
را ، باکسر ، اسپنجیب، نماینده قدرت،
سادگی و طبیعت پاک توده مردم است.
در چند ماه اخیر دو ترجمه از این
اثر به فارسی عرضه شده است ؛ البته
گفته می شود که چند سال پیش ترجمه

آزادی از این کتاب شده ، که نگارنده
آن را تدبیده ، و در اینجا مورد بحث ما
نیست .

انوشیروان دولتشاهی با ترجمه
این کتاب نشان می دهد که مترجمی
است تازه کار ، که هر چند شور و اشتیاق
دارد - همین دلیل بس که به چنین
کتابی زوی آورده - و می گوشت
امانت را رعایت کند ، اما نه تجربه
کافی دارد و نه ذوق سلیم و نه
آنطور که باید و شاید روح زبان را
درک می کند . در همان مقدمه کتاب ،
که ترجمه ای است از پست جلد کتاب
اصلی ، چاپ پنگوئن ، به این جمله
برمی خوریم که در فارسی مطلقاً فاقد
معنی است :

«حقیقت تلخ اینکه عمل ، بجز
برای کسی که جای مزرعه دار معزول را
می گیرد ، کاملاً نتیجه بخش است.»
که معلوم شد ترجمه این جمله
انگلیسی است .

The experiment is entirely
successful, except for the un-
fortunate fact that someone
has to take the deposed far-
mer's place.

و شاید بتوان آن را چنین ترجمه
کرد :
سواى این حقیقت نامیسون که
کسی باید جای مزرعه دار طرد شده را
پر کند ، کار با پیروزی کامل قرین
است .

یا چند سطر پایین تر به این جمله
برمی خوریم : « فصل آخر موجب تغییر
درام می شود . . . » که ترجمه این
جمله است :

The last chapter brings a dramatic
change, . . .

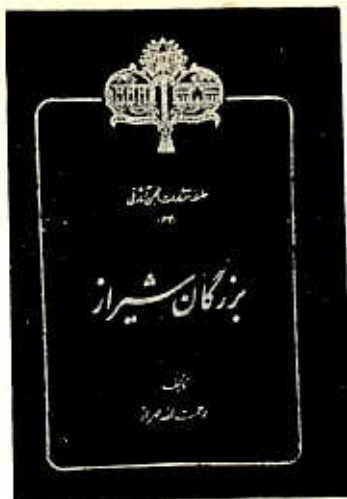
یا هیچ معیاری عبارت « تغییر
درام » در فارسی پذیرفتنی نیست . متن

کتاب هم پر از جملات و عباراتی است که یا مفهوم نیست و یا حکایت از کجسلیقتی و عدم تسلط بر زبان فارسی می‌کند. در صفحه ۱۴ می‌خوانیم: «خواندن این سرود حیوانات را به وحشی‌ترین هیجان‌ات واداشت.» یا اندکی پایین‌تر: «ساجمه‌های خودشان را در دیوار طویله دفن کردند...» و دهها نمونه دیگر.

ترجمه دیگر این کتاب، که توسط امیر امیرشاهی انجام شده، از نثری سلیس و روان برخوردار است. درست است که مترجم برای خود آزادی‌هایی قائل شده است، مثلاً از نقله‌گذاری متن اصلی پیروی نکرده، و از ترجمه لغت به لغت پرهیز کرده است، اما این کارها همه آگاهانه و به خاطر زیبایی و روانی متن فارسی انجام شده و ترجمه تا حد امکان نسبت به متن وفادار است. در اینجا این بحث پیش می‌آید که آیا تا چه حد باید از متن اصلی پیروی کرد؟ تا آنجا که فهم مطلب احتیاج به ترجمه مجدد به‌عنوان زبان داشته باشد؟ در این میان تکلیف خواننده علاقه‌مندی که زبان خارجی نمی‌داند چیست؟ مگر ترجمه برای او نیست؟ پیش از پاسخی به این سئوالات می‌توانید این دو ترجمه را برابر نهاده و خود قضاوت کنید.

هر دو کتاب به قطع جیبی است. ترجمه اول چون زودتر منتشر شده توانسته از طرح روی جلد چاپ پتگوش استفاده کند، که بسیار گویاتر و زیباتر از طرح روی جلدی است که سازمان کتابهای جیبی برای کتاب تهیه دیده است. اصولاً رنگ سبز زمینه طرح هیچ چیزی را راجع به کتاب القا نمی‌کند.

امیر



بزرگان شیراز

تألیف رحمت‌الله مهر از

سلسله انسترات‌انجمن آثار ملی شماره ۶۴

قطع وزیری، ۵۳۰ صفحه بیا

آبان ماه ۱۳۴۸

شهر شیراز که از گذشته‌های دور به زیبایی نامبردار بوده با آنکه هیچ‌گاه از آفت هجوم مها و غارتگریها و آتش‌سوزیها در امان نبوده است همیشه مرکز دانشمندان و عرفا و شعرای بزرگ ایران به شمار می‌رفته و در کتب تاریخ به‌عنوان «دارالعلم» شناخته شده است.

درباره این شهر کهن که مردمش به گشاده‌رویی و خوشدلی و مهمان‌نوازی معروفند به مناسبت آنکه غالب ایام مرکز ایالت مهم فارس بوده است مورخان و دانشمندان آثار زیادی از خود به یادگار گذاشته‌اند که از مهمترین آنها می‌توان «شیرازنامه این ابوالخیر

زرکوب» و «شدالآزار معین الدین جنید» و «فارسنامه این البلخی» و «فارسنامه ناصری» تألیف «میرزا حسن فسائی» و «آثار عجم» فرصت و اقلیم پارس» آقای محمطفوی، را نام برد. بدیهی است اینها غیر از کتابهایی است که دانشمندان ایران و مستشرقان خارجی درباره آثار باستانی فارس نوشته‌اند.

اما در بحث از کتاب آقای مهر از که متأسفانه بر اساس یک «متد» صحیح و مشخص تدوین نشده است باید گفت که در پرداختن به بزرگان شیراز نیز آقای رکن‌زاده آدمیت با تألیف کتاب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» و آقای علی‌نقی بهروزی با نوشتن کتاب «خال رخ هفت کشور»، به اصطلاح فضل تقدم دارند.

آقای مهر از در این کتاب ابتدا تاریخ مختصری از شیراز نقل کرده‌اند تا به قول خودشان علل و جهات اخلاق و رفتار فعلی مردم این شهر به خوبی نمودار گردد. سپس به سیر علوم متداول اسلامی پرداخته و آنگاه شرح احوال بزرگان شیراز را در چند بخش مورد بحث قرار داده‌اند. در بخش اول، احوال و آثار دانشمندان، عرفا، شعرا و حکما و در بخش دوم، ترجمه حال پادشاهان و

شاهزادگانی که در شیراز مدفونند ، مورد بحث قرار گرفته است . بخش سوم مخصوص ذکر احوال و زرای شیراز است و بالاخره در بخش چهارم اماکن مقدسه شیراز شناسانده شده است . مؤلف محترم در هیچ یک از مباحث کتاب مأخذ و منابع کار خود را نشان نداده اند ، و به هیچ وجه متعهد نبوده اند که ذکر از مدارک مورد استفاده به میان آورند و چنانکه گفته شد نوعی پراکندگی و ناهموازی در مطالب کتاب مشاهده می گردد که از ارزش آن می کاهد .



فلسفه هگل

و . ت . استیسی
ترجمه : حمید عنایت
قطع رقعی - ۷۲۱ + ۶۳ صفحه
شرکت سهامی کتابهای جیبی
بها ۴۲۰ ریال

از سال ۱۸۰۰ میلادی تاکنون

کتاب آورده است : « بطور کلی ، راستیان محتوای فلسفه هگل را گرفتند و چپیان ، روش و قالبش را . » اما این عبارت هم به تنهایی حق مطلب را ادا نمی کند و اهمیت قضیه بسیار بیشتر از آنست که تصور میشود . اهمیت فلسفه هگل بخصوص در قرن بیستم از آن جهت است که پرنفوذترین مکتب فکری این قرن ، یعنی مارکسیسم ، که در شکل دادن به سیمای این قرن یکی از عوامل درجه اول بوده است ، قالب اصلی فکر خود را از هگل گرفته است . قالب اصلی فکر هگل عبارتست از وحدت بخشیدن میان تاریخ انسان و تاریخ جهان به عنوان یک تاریخ که عبارتست از تاریخ تکامل «روح» و این سیر از طریق تقابل ضدین و در عین حال وحدت یافتن آنها انجام می شود و کل تاریخ روح عبارتست از سیلانی عقلائی که هر مرحله آن به طور منطقی از مرحله قبلی استنتاج می شود . هگل اصل تقابل و وحدت ضدین را که در هر مرحله از تکوین تاریخ صورت می پذیرد ، دیالکتیک می نامد و اینست که بعدها به عنوان متد تفکر در اندیشه مارکسیستی اعلام می شود . قالب اصلی اندیشه مارکسیستی نیز همین است . مارکس مدعی بود که سیستم هگل را که روی سر اینستاده بود به روی پا برگردانده است و این حرف بعدها توسط مارکسیستها به این صورت درآمد « ایدالیسم

هیچ فیلسوفی به اندازه هگل ، در غرب نفوذ و اثر نداشته است و تاریخ فکری معاصر اروپا چه در زمینه فلسفه و حکمت الهی و چه در زمینه نظریه سیاسی و اقتصاد ادبی ، بی فهم فلسفه هگل ممکن نیست . » این نقل قولی است از « کاوفمان » یکی از هگل شناسان معروف ، در پایان مقدمه مترجم کتاب . و این حرف بدون شك درست است ، اما کافی نیست . اهمیت فلسفه هگل را در زمانه ما نه تنها در زمینه نظر بلکه باید در زمینه عمل نیز جست ، یا بهتر ، در زمینه نظریاتی که در عمل در کار تغییر دادن چهره جهان کنونی است . اهمیت دو گانه هگل یکی از این جهت است که به عنوان یکی از بزرگترین متفکران در تاریخ تفکر غربی ، از قرن نوزدهم به این سو ، نظرات فلسفی او همواره اهمیت و نفوذی بی مانند در قلمروهای مختلف اندیشه داشته است ، و دیگر اینکه با تأثیر در مباحث فلسفی مکتبهای سیاسی قرن بیستم ، در تغییر هیأت جوامع بشری و چهره جهان کنونی اثری غیر مستقیم اما عمیق داشته است . تأثیر تئوری او در باب دولت در توتالیتاریسم نازی ، معروف است و بدین سبب هگل مدتها مورد طعن و لعن بود . اما مهمتر از نفوذ پاره هایی از عقاید هگل در مکاتب دست راستی ، قالب و روش مکتب هگل است که به مکاتب چپ راه یافت . همچنانکه مترجم در مقدمه

دیالکتیک» هگل به صورت «ماتریالیسم دیالکتیک» مارکس درآمد. وحدت میان تاریخ انسان و تاریخ جهان در مارکسیسم نیز هست. منتهی در مارکسیسم تاریخ جهان دیگر نه تاریخ تکامل روح، بلکه تاریخ تکامل طبیعت یا تاریخ تکامل «ماده» است. و تاریخ انسان به عنوان ادامه تاریخ تکامل «طبیعت» عبارتست از تکامل مادی تاریخ یا تکامل ابزارهای تولید و همراه آن «مناسبات تولیدی» و «روبنها»ی اجتماعی. قانون این تکامل دیالکتیکی است و تفکر و تحقیق در آن نیز باید دیالکتیکی باشد. غایت تکامل نیز درسیستم مارکسیسم همان غایت درسیستم هگل است: یعنی «خود آگاهی». منتهی با این فرق که درسیستم هگل «روح» است که در تاریخ انسان به کمال و خود آگاهی می رسد و در مارکسیسم، ماده. می بینیم که مارکسیسم بیش از آنچه معمولاً تصور می شود به هگل مدیونست. مترجم برای روشن کردن گوشه هایی از فلسفه هگل (با تمامات آن؟) مقدمه ای تحت عنوان «پیوند زندگی و خرد هگل با روزگار او» بر کتاب افزوده و مقدمه را چنین آغاز کرده است: «فهم درست فلسفه هگل بی فهم زمانه او ممکن نیست» ولی درست تر آنست که بگوییم «فهم زمانه ما بی فهم هگل ممکن نیست.»

و راستی معنی این حرف که خیلی هم باب زمانه است چیست؟ چرا باید برای فهم اندیشه هر متفکری به اوضاع و حوادثی که او بی واسطه با آن سروکار داشته است رجوع کرد؟ آیا معنی این حرف اینست که ما با خبردار شدن از حوادث و اوضاع بی واسطه زمانه یک متفکر، تمام انگیزه های او را برای تفکر یا به عبارات دیگر، تمامت اندیشه او را دریافته و از آن برمی گذریم؟ و یا معنی این حرف آیا جز اینست که اندیشه فلسفی دارای نسبت مطلق تاریخی است و با گذشت زمان تنها آن را به عنوان چیزی متعلق به گذشته یا متعلق به تاریخ می توان دانست و تنها «از لحاظ تاریخی» قابل تحقیق؟... به این پرسشها و تمام پرسشهایی که می تواند در پی داشته باشد به این سادگی نمی توان پاسخ گفت ولی باید این نکته را متذکر شد که این «شناخت شرایط» بسیاری از اوقات نه تنها ما را به شناسایی اندیشه رهنمون نمی شود بلکه سلطه نهانی آنها را بر بنیادهای افکار و زندگی ما پوشیده می دارد. در عین حال این طرز تفکر در بردارنده این اصل است که آنچه انگیزنده تفکر و در عین حال محدود کننده آنست، حوادث و اوضاعی است که متفکر مستقیماً با آنها تماس دارد و به این ترتیب اندیشه را به صورت امری انفعالی درمی آورد و با این نسبت

تنها برای آن «اعتبار تاریخی» باقی می گذارد. و البته معنی این حرف بی قدر کردن تحقیق در اوضاع و احوال زندگی متفکران نیست، بلکه بیشتر سخن بر سر اینست که معنی این «اوضاع و احوال» چیست. باری، بدون شك چیزی هست که هر متفکری را به تفکر می خواند، اما آن چیز چیست؟ چه چیزی است که بویژه یک متفکر بزرگ را به اندیشیدن می خواند؟ آیا اوضاع سیاسی و اجتماعی آلمان قرن نوزدهم بیشتر انگیزنده و محدود کننده اندیشه متفکری چون هگل است یا آن طینتی که از اعماق تاریخ غرب، ازدل حکمت یونان برمی خیزد؟ آیا تمامیت یافتن هستی در یک کلیت عتلاتی، بیشتر از تاریخ شمت و چند ساله زندگی هگل سرچشمه می گیرد یا از طینتی که Logos یونانی در قالب Logic بر تمامی تاریخ اندیشه غرب افکنده است؟ چیست که یک متفکر بزرگ را به تفکر فرا می خواند؟ آیا ندایی است از اعماق تاریخ یا تجربه هایی از اوضاع و احوال خاص؟ یا هر دو؟ اینها پرسشهایی است که ما به آن پاسخ نمی توانیم گفت و پاسخ گفتن به آنها کار همان متفکران است، ولی ما می توانیم دست کم پرسش کنیم.

آیا نه اینست که ما بیش از آنکه برای «فهم درست فلسفه هگل» به فهم زمانه او نیاز داشته باشیم،

برای فهم زمانه خود است که بدفهم
هگل نیازمندیم؟ - و این فهم چه
سخت دشواریاب است .

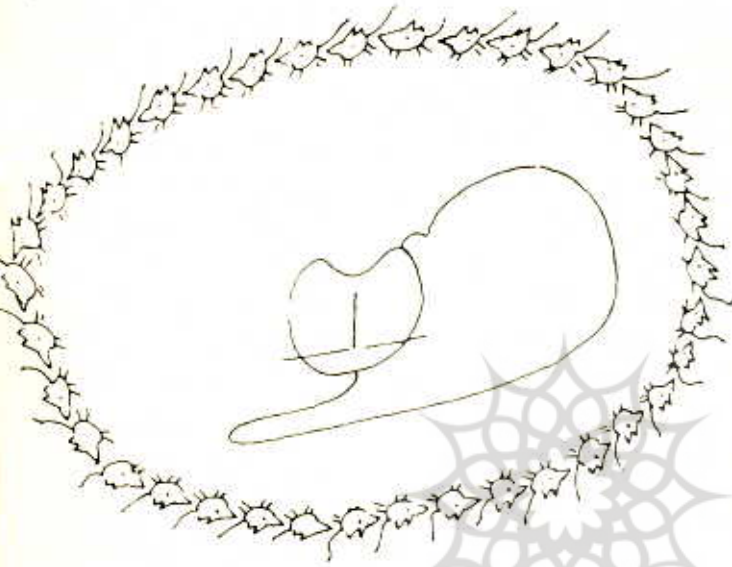
و اما همت حمید عنایت دری
را بروی ما گشوده است . کتاب
و . ت . استیسی شاید یکی از
« معتبرترین » کتاب‌ها در زمینه
هگل‌شناسی نباشد ، ولی دست کم
کتابی است درخور اعتماد . کتابی
است تقریباً جامع در باب مبانی
متافیزیک هگل در چهار مبحث ،
شامل اصول اساسی فلسفه هگل و
مقدمات تاریخی آن ، منطق ، فلسفه
روح نزد هگل .

ترجمه این کتاب که کتابی است
نسبتاً قفلور ، کاری است بسیار
سنگین و طاقت‌فرسا . کار حمید
عنایت تجربه بسیار دشواری بوده
است در زمینه یافتن زبانی تازه برای
ترجمه چنین کتابی و الحق فارسی
روشن ، زیبا ، و دقیق او توفیقی
است برای خودش و تجربه‌ای است
گرانها برای دیگران و سرمشقی
است از اینکه چگونه می‌توان حتی
در متنی چنین دشوار ، از زبان مغلق
و زشت و ثقیلی که در این زمینه
میان «فضلا» رایج است پرهیز
کرد و زبان فلسفی را پاک و پیراسته
عرضه کرد . کتاب در عین حال
دارای لغت‌نامه دوزبانه‌ای است که
بسیار سودمند است و کوششی است
ارجمند برای یافتن معادله‌های فارسی
برای کلمات فنی متن . ذوق و سلیقه
و دانش و نیز بردباری عنایت برای

این ترجمه ، شایان تحسین است .
چاپ و صحافی کتاب نیز زیبا
و با سلیقه است ، اما قیمت گران
آن و زیبایی ظاهرش آن را بیشتر
مطلوب خریداران کتابهای زینتی

می‌سازد و از دسترس دوستداران
حقیقی فلسفه ، که غالباً مردمانی
نه چندان توانگرند ، دور می‌کند .

مهرداد رهسپار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

